هم‌اندیشی مدنی به منظور مناسب‌سازی شهر و مدرسه برای معلولان

جای آنها در رسانه خالی است

شرق: در روز ۲۴ مهرماه همایش «فرصت برابر برای همه کودکان» در جامعه خیرین مدرسه‌ساز برگزار شد. به اهتمام انجمن صنفی خبرنگاران استان تهران و روزنامه «شرق» نشستی با حضور چند فعال مدنی و خبرنگاران درباره مناسب‌سازی کالبدی و فرهنگی مدارس برای معلولان برگزار شد. دبیر این نشست امین شول‌سیرجانی از اعضای هیئت‌مدیره انجمن صنفی خبرنگاران استان تهران بود. آموزش مسائل تخصصی معلولان از برنامه‌های انجمن صنفی خبرنگاران استان تهران است. امین شول‌سیرجانی، خبرنگار و سردبیر روزنامه پیام ما، ضمن تشکر از افراد حاضر در نشست اعلام کرد که هیئت‌مدیره انجمن صنفی خبرنگاران استان تهران از همه توان خود برای بهبود وضعیت معلولان ازجمله آموزش آنها تلاش خواهد کرد. برگزاری دوره آموزشی برای خبرنگاران سراسر کشور از برنامه‌های انجمن صنفی خواهد بود که این نشست مقدمه‌ای برای آن خواهد بود. او از حاضران در جلسه خواست تا با طرح دیدگاه‌های خود زمینه آموزش تخصصی خبرنگاران برای مسئله معلولان و آموزش آنها را فراهم کنند.

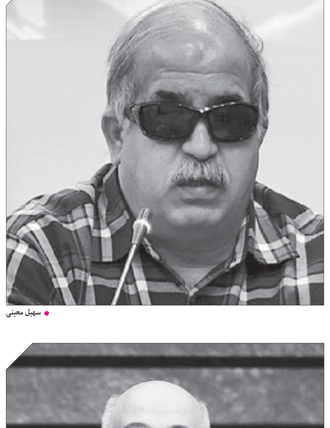
سهیل معینی

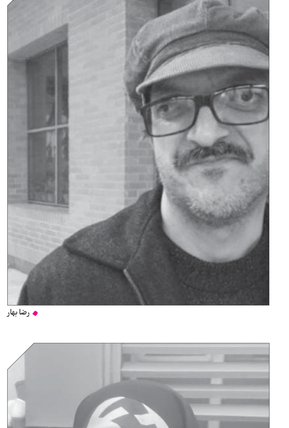
رضا بهار

نهمینه موسوی

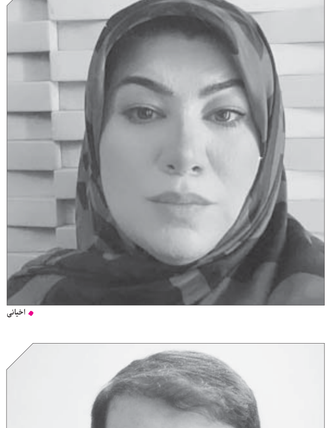
اخیانی

احمد میدری

کاغذگران

فاطمه مهاجرانی

امین شول‌سیرجانی

از مطالبه‌گری به حمایت‌طلبی

احمد میدری، مدیر علمی دبیرخانه مقابله با فقر و نابرابری آموزشی، در این نشست گفت: رویکرد ما در دبیرخانه مبارزه با فقر و نابرابری آموزشی حمایت‌طلبی برای تغییر سیاست‌هاست و یکی از مصادیق فقر و نابرابری آموزشی، مسئله معلولان است. در همین راستا دبیرخانه از اول سال جاری نشست‌های تخصصی در محل دبیرخانه و دانشگاه تهران برگزار کرد.

او با بیان اینکه فاصله بین مفهوم معلولان و وضعیت موجود بسیار زیاد است، گفت: برای تغییر در وضعیت موجود نیازمند سه جریان هستیم: جریان اول به رسمیت شناختن مسئله است که افکار عمومی و سیاست‌گذاران این مسئله را به رسمیت بشناسند و برای تغییر آن تلاش کنند. جریان دوم اینکه مردم و مسئولان ارائه تغییر داشته باشند و آن را بپذیرند و جریان سوم یافتن راه‌حل کارشناسی. به طور خلاصه اعتراف به مسئله، اراده برای تغییر و دانش و توان تحقق وضعیت بهتر، سه شرط بهبود وضعیت موجود است.

میدری با اشاره به اینکه با همه مشکلاتی که خبرنگاران و رسانه‌ها دارند، در هر محور با جریان فوق رابطه نقش اصلی دارند، گفت: رسانه مسئله را کشف و به افکار عمومی انتقال می‌دهد. در صورت تکرار و پیگیری موضوع در شکل‌گیری اراده برای تغییر مؤثر است و یکی میان کارشناسان و مردم و سیاست‌گذاران است.

دراره مناسب‌سازی فضاهای شهری و مدارس به‌عنوان یکی از مقدمات کاهش فقر آموزشی برای معلولان به چند نکته اشاره می‌کنم. اول استفاده از ظرفیت‌های موجود در قوانین کشور است. خیلی وقت‌ها انرژی زیادی صرف تصویب قوانین تازه می‌شود. معتقدم که نباید انرژی اجتماعی را صرف وضع قوانین جدید کنیم. چه‌بسا بسیاری از قوانین وجود دارند که مسکوت مانده‌اند؛ بنابراین باید این قوانین و ظرفیت‌های عمومی قوانین در ایران را فعال کنیم.

دوم کذر از مطالبه‌گری به حمایتگری است. یکی از تصورات رایج در نیروهای مردمی ارائه رسانه‌ها این است که وظیفه ما انتقال مشکلات و مطالبه‌گری است. مطالبه‌گری و پیگیری امر بسیار ضروری است؛ اما به خودی خود راهگشا نیست و حتی برخی اوقات می‌تواند به عادی‌سازی مسئله منجر شود. در کنار طرح مشکلات باید برای تحقق تتیجه تلاش کرد. اگر هدف تغییر وضعیت موجود باشد، به‌ناچار رسانه‌ها در نقش اندیشکده، سیاست‌گذاران و نهادهای مردمی خواهد گشت و برای تغییر وضعیت موجود به دنبال حمایت خواهد بود. البته این وظیفه اصلی رسانه نیست؛ بلکه همه کسانی که به دنبال وضعیت بهتر برای معلولان هستند، باید به این مسئله اعتراف کنند که به‌تنهایی قادر به تغییر وضعیت موجود نیستند و نیازمند همکاری هستند. همایش ۲۴ مهرماه گامی در راستای همکاری گروه‌های مختلف برای بهبود آموزش معلولان است که در آن همایش سیاست‌گذاران یا نهادهای مردمی الگوی همکاری خود را طراحی می‌کنند.

دولت‌ها وظیفه دارند تا امکانات آموزش برابر را برای تمام افراد معلول فراهم کنند

در ادامه این نشست سهیل معینی از انجمن باور با اشاره به رویکردهای موجود در مسئله برابری گفت: توجه اتخاذی به حقوق معلولان ازجمله ارزش‌های مذهبی است. ما باید از نظر اخلاقی به حقوق معلولان توجه کنیم. در گذشته در نهادهای مذهبی ازجمله مساجد، کلیساها و مکتب‌خانه‌هایی که با آنها آشنا هستیم، روحانیون و افراد مذهبی افراد را به مساجد و مکتب‌خانه‌ها می‌بردند و به آنها قرآن یا کلستان و... آموزش می‌دادند که در این دوره به افراد معلول نیز توجه می‌شود. سپس به دوره‌ای می‌رسیم که براساس مدل پزشکی فرد معلول ناتوان یا کم‌توان تلقی می‌شود که باید با نگاه درمانی به او نگاه شود. درنتیجه فرد معلول کسی است که از شاخص زندگی برابر در مقایسه با افراد سالم محروم است و باید این فاصله با مراقبت‌های پزشکی پر شود.

او درباره آموزش نیز گفت: در این زمینه شاهد شکل‌گیری اولین مراکز آموزشی افراد معلول هستیم که پس از توجه اخلاقی به آنها، به‌عنوان کسانی که حق آموزش دارند، شناسایی و در مراکز خاص به آنها توجه می‌شود که توقع به آموزش‌پذیری از آنها نیز محدود است.

او ادامه داد: در مدل اجتماعی نیز که با مدل حقوق‌بشری تکاتنگ است، این‌گونه نگاه می‌کند که فرد معلول افراد عادی است که مشکلات اجتماعی در جامعه دارد و صاحب حق است؛ به‌همین‌دلیل تعریف معلولیت تغییر پیدا می‌کند و معلولیت به نقص عضو و نقص توانمندی فرد بازنمی‌گردد؛ بلکه معلولیت ناشی از تعامل معلول میان جامعیت و فرد است. به عبارتی اگر جامعه‌ای شرایط را به گونه‌ای فراهم کند که فرد معلول توانایی مشارکت در جامعه را داشته باشد، آن فرد شاید از نظر پزشکی معلول باشد؛ اما از نظر اجتماعی معلول نیست؛ بنابراین نقطه تلقی معلولیت در نابرابری به جامعه بازمی‌گردد، نه به فرد.

معینی ادامه داد: در مدل حقوق‌بشری که در کنوانسیون حقوق افراد معلول منعکس است، چند دسته مجلات، نشریات و فیلم‌های استراتژیک برای افراد معلول به‌ویژه کودکان و نوجوانان در دسترس است؟ به چه تعداد کتاب گویا یا خط بریل داریم؟ چقدر فایل‌های الکترونیکی یا محصولات فرهنگی مثل بازی‌های الکترونیکی داریم که افراد معلول به‌ویژه نابینایان و ناشنایان بتوانند از آنها استفاده کنند؟ مادهٔ ۳۰ کنوانسیون بر دسترسی افراد معلول به منابع فرهنگی تأکید دارد. این در حالی است که این موضوع در کشور ما یک چالش است. ما چه تعداد پارک داریم که برای افراد معلول مناسب‌سازی شده است؟ چقدر در مدارس ضد رباید به راحتی با حقوق افراد معلول آموزش داده‌اند؟ یکی از بزرگترین چالش‌ها و مطالبه‌گری‌های ما آموزش حقوق افراد معلول در سطح مدارس و دانشگاه‌هاست.

وی در پایان گفت: بزرگ‌ترین مطالبه‌گری ما در حوزه آموزش حذف تبعیض‌هاست حتی تبعیض‌هایی که در ذهن افراد وجود دارد. تبعیض همیشه تجلی بیرونی ندارد و بزرگترین تبعیض در ذهن افراد است. پس اگر در آمریکا توسعه‌یافتگی در سطح ۲۰ درصد معلولان به‌یک‌هزارستم، در آمریکا قانونی درباره افراد معلول وضع کرده که کارفرمایانی که افراد معلول را استخدام کنند، هیچ تبعیض جدیدی ایجاد نکرده‌اند؛ بلکه جریمه پرداخت کنند و در پی آن مشاهده کردند که بی‌کاری نابینایان به ۲۵ درصد رسید. به این دلیل که این تبعیض در ذهن افراد وجود دارد، بنابراین تبعیض فیزیکی و ذهنی بزرگ‌ترین مانع است که رصد نمی‌شود. زمانی که این نگاه‌ها وجود داشته باشد نمی‌توان به حقوق برابر دست یافت.

نگاه فرهنگی چالش بزرگ بر سر راه مدارس فراگیر

در ادامه این نشست فاطمه مهاجرانی، رئیس کمیسیون بانوان انجمن خیرین مدرسه‌ساز گفت: مسئله کودکان با نیازهای ویژه و مدارس فراگیر یا یذیرا دو بعد دارد که یک بعد آن سخت‌افزاری و فیزیکی است که امیدواریم با کمک خیرین بتوانیم این زیرساخت‌ها را انجام دهیم. اما اندازه این معلولیت نیز در پذیرایندن مدارس مهم است؛ برای مثال کودکان دارای آتیسم یا کودکان دارای چند معلولیت را نمی‌توانیم در مدارس عادی بپذیریم. چراکه خودشان آسیب خواهند دید. بنابراین حد و اندازه معلولیت در پذیرش دانش‌آموزان در مدارس عادی یکی از معیارهای مهم در مدارس است؛ برای مثال کودکان دارای سندرم داون را که درجات بالایی ندارند، می‌توان در مدارس عادی پذیرفت.

وی ادامه داد: بُعد اول را که سخت‌افزاری یا فیزیکی است، سازمان نوسازی مدارس متولی بسا خیرین انجام می‌دهد اما باید توجه کرد که هیچ صمانتی وجود ندارد که با این نوع مناسب‌سازی‌ها بچه‌هایی با نیازهای ویژه بتوانند در کنار باقی کودکان قرار گیرند. زیرا بُعد فرهنگی نیز یک مانع بزرگ است. در بسیاری از موارد والدین دوست ندارند کودکانشان در کنار دانش‌آموزان دارای معلولیت قرار بگیرند و متاسفانه این نگاه وجود دارد.

مهاجرانی درباره نقش رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی در ایجاد خیرین گفت: رسانه‌ها می‌توانند با فرهنگ‌سازی این نگاه را تغییر دهند، زیرا این کودکان معلول نیستند که نیاز دارند در کنار کودکان عادی قرار گیرند. بلکه کودکانی هستند که نیاز دارند زندگی با کودکان معلول را یاد بگیرند و با همه جوانب یک زندگی مواجه شوند. در این تغییر نگاه بدون کمک رسانه‌ها نمی‌توانیم شاهد یک تغییر باشیم.

وی در پایان گفت: مطالبه‌گری برای بهسازی مدارس یک سمت مسئله و در سمت دیگر پذیرش در کنار همدیگر قرارگرفتن این فرزندان است که به بعد فرهنگی آن بستگی دارد که هر دو بعد باید در کنار همدیگر قرار گیرند.

تا زمانی که بعد فرهنگی نسبت به معلولیت تغییر نیابد، آمار دقیقی از این افراد نخواهیم داشت

تهمینه موسوی، عضو هیئت علمی دانشکده توان‌بخشی دانشگاه علوم پزشکی تهران، در ادامه این نشست: در گذشته این نگاه وجود داشت که فرد معلول عادی نیست و ما باید او را به افراد عادی نزدیک کنیم. این نوعی فاصله‌گذاشتن بین افراد سالم و غیرسالم است که به‌نوعی موجب تغییر نگاه و حتی انکردن به این افراد شد. در سال ۱۹۷۰ و از زمانی که مسئله حقوق افراد دارای معلولیت مطرح شد، ایران نیز در کنار کشورهایی قرار گرفت که این کنوانسیون ۵۰ ماده‌ای را امضا کرد. در مادهٔ ۳۱ این کنوانسیون آمده است که دولت‌های تصویب‌کننده و امضاکننده این قانون باید داده‌های آماری و اطلاعات درست را در این رابطه جمع‌آوری کنند تا بتوان آن را ساماندهی کرد.

وی ادامه داد: سازمان بهداشت جهانی نیز آمار افراد دارای معلولیت را یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون معادل ۱۶ درصد جامعه جهانی اعلام کرد. زمانی که به این آمارها در کشور خودمان نگاه می‌اندازیم متاسفانه می‌گنیم که آخرین سرشماری درخصوص افراد معلول به سال ۱۳۹۰ بازمی‌گردد که این میزان را ۱.۴ میلیون اعلام می‌کند. اما با بررسی‌های دیگر پی می‌بریم که این آمارها کاملا متفاوت است.

موسوی ادامه داد: سازمان بهزیستی بعد فرهنگی و رفاهی غلط نسبت به معلولیت است که در فرهنگ ما ریشه دارد و آن را نوعی عقوبت الهی می‌دانند؛ بنابراین بسیاری از افراد در سرشماری‌ها از اینکه اعلام کنند فرزند معلول دارند خودداری می‌کنند. نتیجه اینکه بسیاری از افراد هنگام حضور در جامعه با چالش‌های بزرگ مواجه هستند و آمار درستی نیز از تعداد این افراد به دست نمی‌آید. تا زمانی که مسئله فرهنگی در خصوص افراد معلول حل نشود و این تفکر نگاه غالب نشود، نمی‌توان آمارهای درستی نیز درخصوص تعداد افراد معلول به دست آورد.

وی گفت: مداخلات در سطح خانواده‌ها و افراد، بالابردن سواد و آگاهی جامعه، مداخلات در سطح دولت و مداخلات در سطح جامعه که رسانه‌ها می‌توانند نسبت به آن اقدام کنند و جامعه را نسبت به طبقه‌بندی‌های جدید درخصوص معلولیت آگاه کنند، از جمله راهکارهایی است که نباز است به آنها توجه شود.

موسوی در ادامه افزود: معلولیت مفهوم‌سازی‌هایی است که در جهان روی به افزایش است و افراد حتی اگر سالم نیز باشند در اثر بیماری یا تصادف یا سالمندی به معلولیت دچار خواهند شد. بنابراین جامعه به آمار دقیق نیاز دارد و کیفیت این داده‌ها نیازمند تلاش مشترک اقشار جامعه و دانشگاهان و دولت است که موجب می‌شود زیربناهای مناسب برای ارائه خدمات به این افراد و حتی رفاه‌های مناسبی برای پیشگیری از ناتوانی صورت گیرد.

باید این فرصت را به وجود بیاوریم تا معلولان خودشان درخصوص چالش‌ها و دغدغه‌های خود سخن بگویند

سحر آزاد درباره مفاهیم کلیدی حوزه تجسمی بحث کرد که بنا بر یک اتفاق به حوزه معلولان علاقه‌مند می‌شود و به تولید محتوا در این حوزه می‌پردازد.

او گفت: بحران‌های معلولیت که فقر، نزدیکان و خانواده او درگیر آن می‌شود، از دلایلی است که به این حوزه پیوسته تا تجربیات خود را در این خصوص با افراد به اشتراک بگذارم. بنابراین به تولید محتوا و بادکست در این خصوص پرداختم. در اپیسود اول از سکاه خود و از تجربیات عاطفی‌ام که تلفنی و در اپیزود دوم به تجربیات دیگران از این اتفاق و کسانی که تجربه مشابه خودم را داشتند پرداختم تا بحران‌ها و دغدغه‌های به‌وجودآمده برای این افراد را بیان کنیم. در اپیزود سوم با حوزه معلولان حرف زدم. مهم‌ترین معضلی که در وهله اول پیدا می‌شود یک خشم است و اینکه چرا من؟

در نهایت به‌به‌عنوان یک روزنامه‌نگار نمی‌توانیم صرفا به سراغ افراد دارای معلولیت برویم و باید سراغ افرادی برویم که کارشناس هستند تا این مسئله را از بعد علمی و آکادمیک بررسی کرده باشیم و با کسانی که تجربه دارند صحبت کنیم، بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان و افرادی که در حوزه معلولیت فعال هستند نیز از بعدهای مختلف است که باید به آنها بپردازیم.

زمانی که دغدغه و مشکلات بیان می‌شود اتکار آدم‌های دیگر نیز این جرئت را پیدا می‌کنند تا درمورد مشکلاتشان حرف بزنند. آنچه در رسانه‌ها می‌ماشده می‌شود این است که توجه به حوزه معلولان یک جریان مستمر نیست، درصورتی‌که ما باید مطالبه‌گری را از دولت و ارگان‌های مرتبط به وجود آوریم.

آنچه وجود دارد، این است که در رسانه‌ها، حوزه معلولان حوزه مهجوری است. علاوه بر اینکه این تبعیض در ذهن مشاهده وجود دارد، این تبعیض در ذهن مدیران رسانه‌ها نیز وجود دارد. در برخی از موارد ممکن است یک خبرنگاری به تولید خبر یا محتوا درباره معلولان بپرداخته باشد، اما ممکن است دبیران نیز به‌نحوی که تمایلی به پیگیری آن نشان ندهند. ما رسانه‌ها در بسیاری از موارد مشکل را پیگیری نمی‌کنیم و موضوع را رها می‌کنیم؛ درصورتی‌که باید سراغ این مدتی بازگردیم و مسئله را پیگیری کنیم؛ زیرا ممکن است آن پیگیری‌ها به نتیجه موضوع و مسئله کمک کند.

اگر می‌خواهیم مطالبه‌گری در جامعه را ایجاد کنیم، یکی از قدم‌ها این است که از معلولان در فضای رسانه‌ای استفاده کنیم تا مطالبی را برای ما تهیه کنند. تجربه شخصی من نشان می‌دهد زمانی که افراد معلول در رسانه‌ها حضور داشته باشند و دغدغه‌های خود را بتوانند بنویسند، پنجره‌های جدیدی به روی ما باز خواهد شد؛ چراکه من خبرنگار در نهایت می‌توانم فقط راوی قصه باشم و بخشی از مشکلات آنها را بیان کنم؛ اما قطعا زمانی که فرد دارای معلولیت درخصوص زندگی روزانه‌اش یک سخنران در روزنامه یا رسانه باشد، کمک‌کننده خواهد بود. بخشی از این مسئله به تعهیضی که در رسانه‌ها وجود دارد بازمی‌گردد.

ما باید صدای کسانی باشیم که دیده نمی‌شوند و باید این فرصت را به وجود بیاوریم تا خودشان درخصوص چالش‌ها و دغدغه‌های خود بتوانند سخن بگویند. بنابراین این تجربیه‌ها هستند که باید اولین قدم را بردارند.

به‌عنوان خبرنگار نباید به دنبال جلب ترحم باشم و اگرمی‌خواهم از حقوق یک فرد معلول دفاع کنم، نباید این دفاع با نگاه ترحم‌آمیز باشد

در ادامه، شهرزاد همتی با اشاره به تجربیات خود در این زمینه گفت: به‌مظور لمس تجربیات یک معلـول، تصمیم گرفتم یک روز با ویلچر در شـهر تردد کنم تا مشـکلات آنها را لمس کنم. هیچ فضـاری مناسـبی برای معلولان ازجمله در اتوبوس و مترو مشـاهده نکردم و زمان سوارشـدن بر اتوبوس چند نفر ویلچر من را گرفتند. متأسـفانه هیچ‌کسـی نسـبت به این موضوع اعتـراض نکرد. حتی خودپردازهای شهر هم بلندتر است و با ویلچر هم قد آنها نرسید.

در یکسی از برنامه‌های تلویزیونی که بخشـی از آن برای معلولان بود، پسـر نوجوانی با شدت ناشنوایی که حرکت نداشـت اما او با بیان کارآفرین بود و هزینه‌های زندگی را پرداخت می‌کرد، میهمان برنامه بود، اما پس از برنامه به من گفتند که یکی از مخاطبان اعتراض کرده که حال خانمی به دلیل دیدن معلول بد شده است بنابراین بخش مربوط به معلولان در این برنامه حذف شد.

سال‌ها پیش خبرنگار مجله چلچراغ بودم. به ما خبر رسید که در یکی از مراکز مربوط به معلولان، به‌جای کارزمانی از کتک‌زمانی اسـتفاده می‌شود. به بهانه داشتن فرزند دارای معلولیت طفل مغزی به اتحاد رفتیم و گزارش آن را نوشتیم. چراکه برخی به‌شدت سروصدا کرد و آقای کارمندانمان از مجله حمله کردند.

خبرنگار حوزه معلولان ما کسـی اسـت که با یک معلول ازدواج کرده است و به‌صورت خودجوش گزارش‌ها و اخبار مربوط به معلولان را بیان می‌دهیم. من به‌عنوان خبرنگار نباید به دنبال جلب ترحم باشـم و اگر می‌خواهم از حقوق یک فرد معلول دفاع کنم، نباید این دفاع با نگاه ترحم‌آمیز باشد و همان‌گونه که از حق یـک دانش‌آموز کنکوری که صندلی او به فروش رفته اسـت، دفاع می‌کنم باید از حقوق فرد معلول بـدون حس ترحم دفاع کنم و همین‌طور نباید در دفاع از حق او از کلمات و القاب ناراحت‌کننده استفاده کنم.

متأسـفانه هنوز مردم به دلیل توسـعه‌نیافتگی از معلولیت بـرای خندیدن استفاده می‌کنند

رضا بهار، خبرنـگار ایرنـا و دارای معلولیـت، می‌گوید: چون خـودم دارای معلولیت هسـتم و با این مسئله آشـنا بودم، کم‌کم به روزنامه همشهری رفتم و در آنجـا مطالب مرتبط با معلولان را ترجمه کـردم و در ادامه به مصاحبه با این افراد پرداختم. زمانی روزنامه همشـهری صفحه مخصوص به معلولان را داشت و همه افرادی که در ارتباط با معلولان بودند، در این صفحه قلم می‌زدند. اما پس از تغییر مدیریت این صفحه نیز حذف شد.

در گذشته من خاطرات روزانه خود را می‌نوشتم. اما پس از ازدواج با همسرم که او نیز یک نابینـاست، موضوع نوشته‌های من تغییر کرد و به معلولیت پرداختم که به پیشنهاد دوسـتانم نوشته‌های من به کتاب تبدیل و منتشر شد. این نوشـته کاملا واقعی و تجربه‌های زیسـته‌ام اسـت. کتابم را به نیکنام، عضو شورای شهر وقت تهران، هدیه دادم و او این کتاب را مطالعه کرد و سـپس طرح دسـترس‌پذیرکردن مناطق تاریخی را اجرا کرد و چند منطقه تاریخی با این طرح دسـترس‌پذیر شدند که اقدام بسیار خوبی بود و بزه به‌عنوان شهر در دسـترس معلولان اجاحت و اول شد.

بـه نظر مـن این ۵۱درصدی از جامعه معلولان که در کشـور داریم، تا زمانی که ایـن ۸۰ تا ۹۵ درصد افراد عادی برای آنها تصمیـم نگیرند، اتفاق خاصی رخ نخواهد داد؛ زیرا این باور وجود ندارد و مطالبه‌گری شکل نمی‌گیرد.

جامعه هدف ما افراد عادی بودنـد که با جامعـه معلولان آشـنا نبودند. شـخصیت‌های محبوب‌ما در فیلم‌ها و رسـانه‌ها و داسـتان‌ها ما با افراد مظلـوم و لایـق ترحم و قربانی هسـتند یا قهرمـان یا افراد شـروری که به دلیل ظلم خود معلول شـده‌اند یا کاهی از معلولیت برای خنداندن اسـتفاده می‌شود.

متأسـفانه هنوز برخی به دلیل توسعه‌نیافتگی از معلولیت برای خندیدن استفاده می‌کنند. معتقدم در رسـانه‌ها نیاز اسـت تا اصلاح نگاه مردم به معلولیت شکل بگیرد. مسـئولیت اجتماعی ما به‌عنوان خبرنگار بسیار سنگین است. اینکه معلول یا قهرمان است یا مظلوم باید بتوانیم تغییر کند. هیچ دو فرد معلول شبیه یکدیگر نیستند و اگر آموزش نبینیم در این مورد محال است که آن را بپذیریم.

دو سرنوشت کودک همان شهر بدون معلولیت است

اخیانی، خبرنگار حوزه معلولان نیز در ادامه این نشسـت گفت: سال‌هاست که برای دسترسـی کودکان به حوزه معلولان به حوزه برابر در تلاش هستیم. به نظرم نباید مسئله معلولان از مسـئله کودکان جدا کرد. کتلیک میان این دو به کوچک‌سـازی هدف منجر می‌شـود. پرداختن به حقوق کودکان مجموع در الزامات نیازهای شـهری از مسائل مهم اسـت. درخصوص شهرهای دوسـتدار کودک بارها بحث کردیم که اگر شهری را برای معلولان مناسـب‌سازی کنیم، این مناسـب‌سازی برای کودکان نیز اتفاق خواهد افتـاد. اگر ویلچر در فضای شـهری بتواند حرکت کند قطعا مادر یا کالسـکه هم می‌تواند در این فضا حرکت کند. حتی در شهرداری تهران تلاش کردیم که اجرای مناسـب‌سازی توسـط شهرداری به‌گونه‌ای باشد که برای هر دو گروه مناسب باشد.

در مسـئله شهرهای دوسـتدار کودک بسـیار به مسـئله دسترسی باکیفیت برای همه کودکان توجه داریم. از این منظر نیاز اسـت تا فضاهای شـهری هم دسترس‌پذیر و هم فراگیر باشـد تا همه بچه‌ها به‌ویژه کودکان با نیازهای ویژه بتوانند به همه خدمات دشـوری که در کنوانسـیون حقوق کودک و معلولان وجود دارد، دسترسی داشته باشند تا این کودکان را از هم جدا نکنیم.

برخی دوسـتان معلولم می‌گفتند که زمین‌های بازی مخصوص معلولان طراحی شـود یا پارک برای اسـتیم یا کـودکان کار طراحی کنند. اما ماجرا اینجاسـت که طراحی افراد بـویژه برای کودکان سـبب می‌شود تا همه کودکان به خدمات مورد نیاز خود در کنار هم دسترسی داشته باشند. همچنین اینکه کودکان دوسـت ندارند در فضایی که برچسب بر آن خورده اسـت، بازی کنند. از طرف دیگر مگر چه میزان فضا در تهران برای این تفکیک وجود دارد؟

نیازاسـت بیشتر بر مسئله فرهنگی کار کنیم

کاغذگـران، عضـو کارگروه مدارس فراگیـر دبیرخانه مقابله با فـقر و نابرابری آموزشـی گفت: در پـروژه‌ای که برای مدرسـه کودکان بازمانـده از تحصیل بود، قرار شـد این کودکان را شناسـایی کنیم. در این طرح مشاهده کردیم که ۱۹ درصد کودکانی که به مدرسـه نمی‌آمدند، به دلیل معلولیت و ۲۸ درصد به دلیل فقر و معلولیت بود. برخورد معلمان، عدم پذیرش این کودکان در خانواده و تردید بر سر دلیل معلولیت فرزند و چند فرزند معلول دانسـتن در خانواده ازجمله مشـکلاتی بود که آنها را مشـاهده کردیم. بنابراین به این نتیجه رسـیدیم که نیاز اسـت بیشتر روی مسئله فرهنگی کار کنیم.

متأسـفانه در ذهـان عمومی پرداختـن به موضوع معلـولان را یک موضوع غم‌انگیز و آسـیب‌زا می‌دانند که جامعه را ناراحت می‌کند. بر اساس ماده ۲۱ قانون جامع معلولان، سـازمان صداوسـیما باید حداقل پنج اسـت برای برنامه‌هایش را به‌منظور آشـنایی مردم با حقوق معلولان و استفاده از رابط ناشنوایان و زبرنویس فیلم‌ها و... اختصـاص دهد. حال کاری کـه می‌توانیم بکنیم، مطالبه‌گری و زنده‌کردن این ماده قانونی در صداوسیماست. همچنین باید توجه شود که کیفیت این برنامه‌ها بسـیار مهم اسـت و باید علمی و آموزشی باشـد. باید خبریه‌ها هم اولویت‌بندی کنند تا علاوه بر توجه به خوراک و پوشاک این کودکان، به کودکانی که کنند تا بتوانند برای چند سـاعت در روز این کودکان را نگهداری کنند تا والدین به کارهای شخصی خود بپردازند.

معلولان چیزی بیشتر از سایر شهروندان نمی‌خواهند

بابایـی، خبرنگار حوزه معلولان، توصیه من به دوسـتانم این اسـت که فریب اعداد و ارقامی که مسئولان ارائه می‌کنند، نخورند؛ زیرا زمانی که خبرنگار به انتشار این آمارها می‌پردازد، شـنونده یا خواننده نیز چنین برداشت می‌کند که خب وضع معلولان آن‌چنان هم بد نیسـت. از تعداد درصـدها و دغدغه‌های معلولان فقط به چهارتا پنج مورد پرداخته شده و نیاز است که عمیق و دقیق شویم.

معلولان چیزی بیشتر از سایر شهروندان نمی‌خواهند؛ می‌خواهند همان چیزی را که درخصوص سـایر افراد عادی عدد می‌کنند، داشته باشند. فقط نباید بر روی مشـکلات معلولان تمرکز کنیم، می‌توانیم موفقیت‌ها و زندگی آنها را نیز مطرح کنیم و مسـئولانی را که در اجرای قوانین مربوط به معلولان اهمال می‌کنند، به چالش بکشیم.

پروتکلی برای رسانه‌ها درباره نوشتن از معلولیت

مترجم: شـهرزاد همتی: یک عبارت رایج در جامعه معلولان وجود دارد که می‌گوید: «هیـچ چیز در مـورد ما، بدون ما». متاسـفانه بسـیاری از رسـانه‌ها در حـال حاضر داسـتان‌هایی می‌گویند که «درباره ما، بدون ما» است. منظور از ما اینجا معلولان است که در گزارش‌هایی که راجع به آنها نوشـته می‌شود، غایب هسـتند. قطعا ادامه چنین روندی در رسـانه به ضرر معلولان اسـت و باید جلوی آن را گرفت. انجام این کار مضر اسـت. تکرار چنین سیاسـتی این افراد را ساکت کرده و سابقه‌ای ایجاد می‌کند که افراد معلول نمی‌توانند با ما ارتباط برقرار کنند یا از خود دفاع کنند. والدین، مراقبان، پزشکان و حتی غریبه‌ها بیشـتر از خود معلولان در گفتن داسـتان‌های آنها حرف می‌زنند. زمانی که به افراد غیرمعلول به عنوان صـدای معتبر جامعه معلولان اختیار برقراری ارتباط داده شود، این کاملا برای جامعه معلولان اشتباه است.

رسـانه‌ها باید به داسـتان‌هایی بیندیشـند که بازتاب مخاطبان آنها باشد و این قطعا شـامل جامعـه معلولان نیز می‌شـود. این راهنما بـه روزنامه‌نگاران و سـایر اعضای رسـانه‌ها درباره جامعـه معلولان به‌عنوان یـک منبع، کمک می‌کنـد و در عین حال چگونگی صحبت در مورد معلولیت را به‌گونه‌ای که مضر نیست، بررسی می‌کند.

شناخت معلولیت و رسانه

جامعه معلولان یک جامعه چندفرهنگی و چندوجهی اسـت. جامعه معلولان با یک میلیارد نفر در سراسـر جهان و یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در داخل کشور هستند که به نظر می‌رسـد به حاشـیه رانده شده و نه‌تنها در شـهر بلکه جایشان در رسانه خالی است. هر فردی در هر مقطعی از زندگی خود امکان معلول‌شدن دارد. در واقع، هرچه بیشـتر عمر کنید، امکان ناتوان‌شـدن شـما بالا می‌رود. در این سـند، کلمه ناتوانی به عنوان یک اصطلاح چتری به معنای هر فردی اسـت که دارای ناتوانی جسمی، حسی، روانی، سـلامت مزمن، عصبی، شناختی یا اجتماعی اسـت. این مثال‌ها نشان می‌دهد که معلولیت‌ها می‌توانند هم قابل مشـاهده و هم نامرئی باشـند. در نهایت، درک این نکته مهم است که افراد مختلف زیادی وجود دارند که تجربیات مختلفی از معلولیت دارند. آنها در اقتصاد نقش دارند، پول خرج می‌کنند و صاحب پیشـه و تجارتی هسـتند، مشـارکت سیاسـی دارند، رای می‌دهند و کاندیدا می‌شـوند یا در مجلس حضور پیدا می‌کنند، درس می‌خوانند و به دانشگاه می‌روند، اما انگار همه اینها نامرئی است.

بنابراین، اگر افراد معلول مصرف‌کننده، رای‌دهنده و در غیر این صورت شـهروندان مولد هسـتند، چرا محرومیت همچنان ادامه دارد؟ یکی از دلایل مهم بازنمایی ضعیف معلولیت در رسانه‌هاسـت. نمایندگی معلولان در رسـانه‌ها مهم است. اگر معلولان واقعی به طور دقیق در رسانه‌ها به تصویر کشـیده نشوند، عموم مردم زندگی و تجربیات معلولان را درک نمی‌کنند. این امر به طور درخور توجهی بر این موضوع تاثیر می‌گذارد که آیا قانونی تصویب می‌شـود که برای جامعه معلولان مفید باشـد یا خیر؟ همچنین می‌تواند بر نحوه رفتار با افراد معلول و جنبه‌های مختلف زندگی معلولان تاثیر بگذارد؟

پرهیز از کلیشه‌ها

روزنامه‌نگاران باید مطمئن باشـند داستان‌هایی که می‌گویند به افراد معلول آسـیبی نمی‌رسـاند. برای مثال، وقتـی فاجعه‌ای رخ می‌دهد و والدینی به فرزند خود آسـیب شـدید وارد می‌کنند، تمرکز بر «شرایط غم‌انگیز» شخصیت‌های والدین «مقیر» که بسیار مستاصل بودند، در عین نادیده‌گرفتن کامل قربانیان معلولی که به آنها آسیب وارد شده است، عمیقا منسل‌ساز است. به نوبه خود، مخاطبان به ترحم و چشم‌پوشی از عاملان ایـن اقدامات هولنـاک می‌پردازند و بهانـه می‌آورند که چرا ایـن کار را انجام دادند. معلولی که برای مثال به قتل رسیده است، نادیده گرفته می‌شود و به عنوان باری بیش از آنکه تحمل آن بزرگ بود، فراموش می‌شود. علاوه بر این، هنگام گفتن این داستان‌ها، اغلب چه به‌طور صریح و چه ضمنی، فرض می‌شود که مردم‌بودن بهتر از معلول‌بودن است. داشتن معلولیت به عنوان یک ترازدی نهایی در نظر گرفته می‌شود که یک زندگی را نابود می‌کند. نه بخشی طبیعی از زندگی و یک روش متنوع برای زندگی.

ایـن کلیشـه‌ها یکی از نمونه‌هـای متعـدد توانایی‌گرایـی هسـتند. توانایی‌گرایی مجموعه‌ای از نگرش‌ها و باورهای مغرضانه در مورد معلولیت است که هم از طریق اقدامات تبعیض‌آمیز فردی و هم از طریق نهادها و سیسـتم‌های اجتماعی تبعیض‌آمیز در مقیاس بزرگ، به افراد معلول آسـیب می‌رساند. توانایی‌گرایی می‌تواند هر چیزی را توضیح دهد و توجیه کند؛ از کارفرمایی که یک کاربر ویلچری واجد شرایط شغلی را رد می‌کند تا یک ناشـنوا که نمی‌تواند سخنان یک سـیاست‌مدار را به دلیل فقدان مترجم زبان اشاره درک کند تا کودکی با ناتوانی در خواندن که در کلاس رد می‌شود.

بنابراین، داسـتان‌هایی که باید گفته شود، درباره سـاختارهای اجتماع